

بررسی شواهد باستان‌شناختی دوره ایلام میانه در حوضه کارون علیا

یعقوب محمدی‌فر

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

کاظم ملازاده

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

علی اصغر نوروزی*

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

(از ص ۱۲۱ تا ۱۵۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۴/۲۰؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۵/۱۰/۱۹

چکیده

شواهد باستان‌شناختی، جایگاه ساکنین کوهپایه‌های زاگرس را در تحولات دوران ایلام تأیید کرده است. اما اطلاعات منسجمی از کمیت و کیفیت آثار این دوره در بخش‌های داخلی ارتفاعات زاگرس و به‌خصوص در سرشاخه‌های رود کارون در دست نیست. جدیدترین بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی حاکی از وجود شواهد قابل‌توجهی از دوران ایلام میانه یا یکی از شکوفاترین مقاطع تاریخ ایلام در این مناطق است. بررسی‌های میدانی، بازنگری و جمع‌بندی نتایج مطالعات جدید جایگاه منطقه کارون علیا را در قلمرو امپراطوری ایلام به‌طور مستندی آشکار می‌نماید. کشف تپه‌ها و محوطه‌های باستانی، آثار معماری، تدفین‌ها، کتیبه‌های میخی و اشیاء سفالین ایلامی در این منطقه مرتفع و صعب‌العبور، دریچه‌های تازه‌ای بر روی ایلام‌شناسان گشوده است. بررسی این مدارک نشان می‌دهد که این مناطق برخلاف نتیجه‌گیری‌های پیشین، نه در حاشیه قلمرو ایلام، بلکه در بطن معادلات سیاسی و اجتماعی جنوب غرب ایران در هزاره دوم قبل از میلاد قرار داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناختی، ایلام میانه، کارون علیا، زاگرس، جنوب غرب ایران

* رایانامه نویسنده مسئول مقاله: aliasghar.noruzi@gmail.com

۱. مقدمه

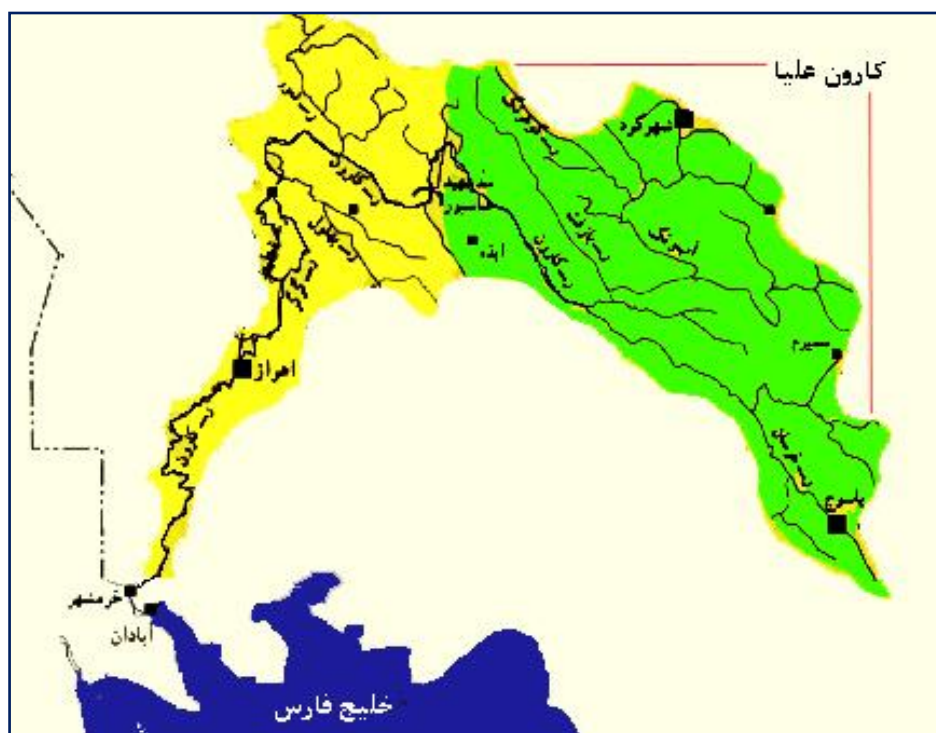
تقریباً تمامی مناطق جنوب غرب ایران عرفاً در محدوده ایلام قرار گرفته‌اند اما تاکنون در بخش‌های زیادی از این نواحی، شواهد باستان‌شناختی محکمی از کم‌وکیف سکونتگاه‌ها و مراکز جمعیتی ایلامی ارائه نشده است. کاوش‌های باستان‌شناختی حتی در بقایای ایلامی شهرهای مهم و بزرگی چون انشان که از مهم‌ترین مراکز سکونت‌ی هزاره دوم ق.م. در جنوب غرب ایران است نیز به‌طور گسترده انجام نشده است. بنابراین، ایلام‌شناسی یا باستان‌شناسی دوره ایلام در ایران همچنان در آغاز راه است. منطقه مورد مطالعه به دلیل ارتباطات چند هزارساله کوهستان‌های زاگرس با دشت خوزستان و منطقه فارس (ن.ک: علیزاده ۱۳۸۷)، همواره از تحولات کانون‌های مهم سیاسی و اجتماعی نواحی پست تأثیر پذیرفته و یا اینکه در مقاطعی بر آن تأثیر گذاشته است. با وجود شرایط سخت توپوگرافی و محدودیت‌های اقلیمی در کوهستان‌های شرق دشت خوزستان و شمال فارس قلمرو ایلام این نواحی را نیز در بر گرفته است. در جدیدترین کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی در حوضه کارون علیا شواهد و مدارک قابل توجهی از دوره ایلام کشف شده است.

۲. اهداف، روش و اهمیت تحقیق

مهم‌ترین پرسش‌های مطرح در این پژوهش عبارت‌اند از اینکه آیا شواهد قابل توجهی دال بر حضور مؤثر جوامع انسانی دوران ایلام میانه در این منطقه وجود دارد؟ پراکندگی، کمیت و کیفیت آثار دوره ایلام میانه در این گستره جغرافیایی چگونه است؟ با توجه به دیرینگی و تداوم ساختار معیشتی متکی بر کوچ‌نشینی در این منطقه این الگو برای دوران ایلام میانه نیز صادق است؟ ارتباطات برون‌منطقه‌ای محوطه‌های دوره ایلام میانه کارون علیا با انشان و شوش چگونه است؟ با پذیرفتن برهم‌کنش تاریخی کوه و دشت در این مناطق، جستجوی شواهد باستان‌شناختی ایلامی همگون با نواحی پست در مناطق مرتفع جنوب غرب ایران و ارتفاعات، دشت‌ها و دره‌های مرتفع کارون علیا با در نظر گرفتن اینکه نام ایلام به‌خصوص در متون تاریخی بین‌النهرین همواره تقریباً مترادف با سرزمین‌های بلند و مرتفع بوده است، فرضیه‌ای موجه و قابل آزمایش است. از این‌رو، ابتدا مطالعات باستان‌شناسی مرتبط و منتشرشده پیشین در محدوده مکانی (نقشه شماره ۱) و زمانی موردنظر (نیمه دوم هزاره دوم ق.م.) که افرادی چون هنری رایت (Wright 1979)، هانس نیسن و آلن زاگارل (Nissen & Zagarell, 1975) به انجام رسانیده‌اند مرور شد، سپس نتایج منتشرشده مطالعات دو دهه گذشته که به معرفی آثار ایلامی منطقه پرداخته بودند (نوروزی ۱۳۸۲: ۷۵-۸۲) و یا تلویحاً در محدوده ایلام میانه تاریخ‌گذاری شده بودند (رضوانی ۱۳۸۶؛ جعفری ۱۳۹۳: ۲۳۷) مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. همچنین نتایج آخرین بررسی کاوش‌های باستان‌شناسی منتشرنشده در محدوده کارون علیا که به‌صورت مستقیم و یا غیر مستقیم با موضوع پژوهش مرتبط بودند مورد توجه قرار گرفته و در نهایت در مناطقی که لازم بود بازدیدهای میدانی جدیدی انجام شد. لذا با توجه به جایگاهی که دوره ایلام در باستان‌شناسی ایران دارد شناخت و بررسی شواهد آن در مناطق مجاور کانون‌های سنتی ایلامی فارس و خوزستان از اولویت خاصی برخوردار است. با وجود ابهامات بسیار در حوزه جغرافیای تاریخی و سیاسی ایلام، معرفی شواهد باستان‌شناسی نویافته و مغفول‌مانده آن در مناطق مهم و کمتر شناخته‌شده‌ای از گستره جغرافیایی دوره ایلام میانه مهم‌ترین ویژگی این تحقیق است.

۳. کارون علیا؛ جغرافیا و ویژگی‌های زیست‌محیطی

کارون علیا بخش عمده‌ای از محدوده استان چهارمحال و بختیاری، بخش‌هایی از استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، فارس و اصفهان را دربر می‌گیرد (نقشه شماره ۱). رود کارون با طول حدود ۸۵۰ کیلومتر از ارتفاعات منطقه بختیاری سرچشمه گرفته و سرانجام به خلیج فارس می‌ریزد (بدیعی ۱۳۳۳: ۱۶۰-۱۶۱). طول این مسیر به سه ناحیه پست و خیلی گرم کارون سفلی، منطقه گرم و نسبتاً هموار کارون وسطی یا میانه و منطقه معتدل، مرتفع و صعب‌العبور علیا یا بالا قابل تقسیم است (Borjian 2012:629). حوضه آبرگیر کارون بزرگ حدود ۶۰ هزار کیلومترمربع وسعت دارد (اهلرز، ۱۳۷۲: ۱۵۶). محدوده انتخابی جهت مطالعه منطبق بر حوضه آبی کارون شمالی در مقطع پل شالو با مساحت ۲۳۴۰۰ کیلومترمربع سه زیرحوضه اصلی خرسان، بازفت، کارون بالا و چهار زیرحوضه فرعی ونک، کوه‌رنگ، بازفت و بهشت‌آباد می‌باشد (خوشحال، ۱۳۸۴: ۷۳). حوضه آبخیز کارون علیا متشکل از مناطق کوهستانی، مرتفع و صعب‌العبوری است که به واسطه ارتفاع از سطح دریا، جهت و ارتفاع رشته‌کوه‌های زاگرس از پر بارش‌ترین نواحی کشور است.



نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی حوضه کارون بزرگ و کارون علیا (نگارندگان)

کشاورزی آبی و دیم در دشت‌های میان‌کوهی و دره‌ها متداول است. بخش علیای رود کارون همواره محل زندگی گروه‌های کوچ‌نشینی بوده است که همانند کوچ‌روهای بختیاری، طول سال را به تناوب در مناطق خنک و مرتفع واقع در سرشاخه‌های رود کارون و زمستان را در مراتع و مناطق پست و گرم خوزستان و بخشی از طول سال را نیز در مناطق حدفاصل گرمسیر و سردسیر سپری می‌کردند. بخشی از کوچ‌روهای مناطق جنوبی محدوده مورد مطالعه ایلات قشقایی هستند که از گذشته تابستان را در این منطقه و زمستان را در مناطق گرم جنوب فارس می‌گذرانند (اهمان ۱۳۶۹؛ گارثویت ۱۳۷۲: ۴۷-۴۹؛ دومورینی، ۱۳۷۵: ۳۰-۵۰؛ ۸۳؛ Alizadeh, 3003).

۴. پیشینه پژوهشی دوره ایلام در حوضه کارون علیا

نام ایلام به زنجیره‌ای از ساختارهای سیاسی و فرهنگی باستانی جنوب غربی ایران اشاره دارد که بیشتر با یافته‌های شوش و محوطه‌های مجاور آن شناخته شده‌اند (Stolper 1984: 3/Potts 2009). باستان‌شناسی ایلام از شوش آغاز شد. کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های مهم مجاور شوش مانند چغازنبیل و هفت‌تپه را گروه‌های ایرانی و خارجی تداوم دادند. به‌سرعت شوش و خوزستان به‌عنوان مرکز و قلب حکومت ایلام شناخته شد (Potts et al. 2009: 1-16). تحقیقات اوایل قرن بیستم در منطقه فارس چشم‌انداز جدیدی گشود. کشف کتیبه‌های میخی ایلامی در محوطه عظیم تل ملیان و خواندن آنها به شناسایی این محوطه به‌عنوان شهر مهم ایلامی انشان منجر شد (Reiner 1973: 176). پیش‌تر کتیبه‌های مهمی از شبه‌جزیره بوشهر (Pezard 1914: PLXI-XIII)، تل‌اسپید نورآباد، نقش‌برجسته کورانگون و بقایای نقش‌برجسته ایلامی نقش رستم نیز گسترش مرزهای ایلام در فارس را تأیید کرده بود (Potts 2013: 129-137). تقریباً تطبیق دشت خوزستان با شوشان (یا بخش جلگه‌ای و پست ایلام) و مناطق فارس با انشان (بخش کوهستانی ایلام) مقبولیت عام یافت (علیزاده ۱۳۸۷؛ 17-38; Miroshedji 2003).

در دامنه‌های شرق خوزستان و در منطقه بختیاری گرمسیر و در مناطق مجاور رود کارون، نقوش برجسته فراوانی از دوران ایلامی و اشکانی (ایلمایی) در یک قرن گذشته کشف و مطالعه شدند (مهرکیان ۱۳۷۵: ۵۵-۶۱). از این میان نقوش برجسته کتیبه‌های کول فره واشکفت سلمان در ایزه به‌عنوان نقوش متعلق به حاکم محلی ایلامی منطقه ایپیر معرفی شدند. در سال ۱۹۳۵ اشتین (stein) نقش‌برجسته ایلامی منفردی از تپه باستانی قلعه تل کشف کرد (صراف، ۱۳۷۲: ۶۴). بررسی‌های باستان‌شناسی روشمند نو در این منطقه محدود به مطالعات تحت سرپرستی هنری رایت در مناطق ایوه، دشت گل و دشت ایزه است (Wright 1979). بررسی‌های باستان‌شناسی دشت ایزه در سال ۱۳۵۵، وجود بقایای استقرار دوره ایلام در این منطقه را تأیید کرد (Bayani 1979: 99-102). اطلاعات ما از وضعیت باستان‌شناختی مناطق مرتفع شرق ایزه تا همین اواخر محدود به نتایج منتشر شده‌ی مطالعات باستان‌شناسی زودگذر آلن زاگارل و هانس نیسن در چهارمحل و بختیاری (Nissen & Zgarell 1975: 159-189; Zagarell 1982) و بررسی هانس گاوبه در کهگیلویه و بویراحمد بود (گاوبه، ۱۳۷۷: ۳۵۶) که هیچکدام منجر به کشف شواهد قابل توجهی از دوره ایلام نشده بود. مطالعات جدید در مناطق بویراحمد (رضوانی و همکاران ۱۳۸۶)، چهارمحل و بختیاری (نوروزی ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴) و ممسنی در استان فارس (Potts et al. 2009) نشان داد که ساکنین و کوچ‌نشینان این مناطق به‌عنوان اجزای اتحادیه ایلام نقش بارزی در این دوره ایفا کرده‌اند (علیزاده ۱۳۸۷: ۶۴؛ نوروزی ۱۳۸۲).

۵. شواهد دوران ایلام میانه در حوضه کارون علیا

مطالعات جدید باستان‌شناسی در حوضه جغرافیایی کارون علیا بیشتر متمرکز بر بررسی‌های باستان‌شناسی پوششی آثار و شواهد استقرار در حوزه‌های سیاسی بوده است. کاوش‌های جدید در این مناطق نیز اغلب پیامد عملیات باستان‌شناسی نجات‌بخشی آثار باستانی بوده که در قالب پروژه‌های مختلف و با روش‌های متعددی انجام شده‌اند. مطالعات پژوهش‌محور و هدف‌دار تنها در محوطه‌های معدودی در این حوضه انجام شده است. برآیند این مطالعات در یک تقسیم‌بندی اختیاری متأثر از عوامل جغرافیایی در ادامه آمده است.

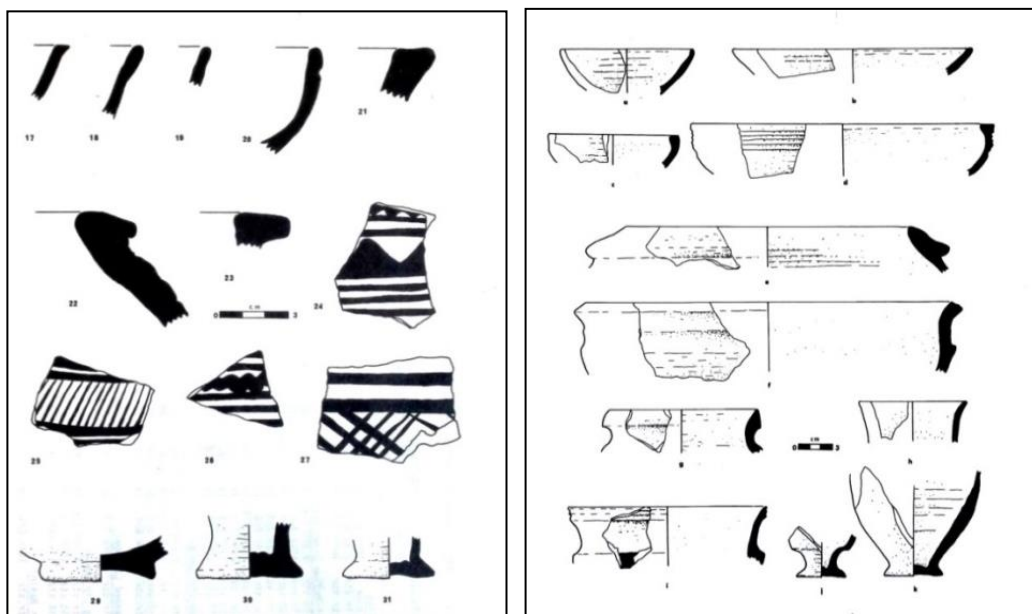
۶. منطقه ایزه

دشت ایزه با طول ۲۳ کیلومتر در امتداد شمال غربی- جنوب شرقی و ۱۲ کیلومتر عرض شمالی- جنوبی در منتهی‌الیه شرق و شمال شرق خوزستان و در دامنه غربی زاگرس واقع شده است. دشت ایزه با میانگین ارتفاع ۷۵۰ تا ۸۰۰ متر از سطح دریا مرتفع‌ترین دشت خوزستان است. ایزه دروازه ارتفاعات منطقه بختیاری است. مطالعات باستان‌شناسی در منطقه ایزه همواره از وجود آثار متعدد سنگی، صخره‌ها و نقوش برجسته ایلامی و اشکانی (الیمایی) متأثر شده است. حضور پررنگ این منطقه در تحولات دوران ایلام جدید، دوره اشکانی و قرون میانه اسلامی یعنی سلسله اتابکان لر بارز است. بررسی باستان‌شناسی منطقه ایزه به سرپرستی هنری رایت در خلال سال‌های ۱۳۵۳ هـ. ش. / ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ م. انجام شده است (Wright 1979). از میان مطالعات متعدد سی سال گذشته در منطقه جز چند گزارش کوتاه از هیئت مشترک ایرانی- ایتالیایی (Messina & Mehrkian 2010) و بررسی‌های دوره سنگ ایزه (نیکنمی و جایز ۱۳۹۰: ۵۸) نتایج هیچ‌کدام منتشر نشده است. در بررسی سال ۱۹۷۶ رایت و همکارانش در ایزه محوطه‌هایی از دوره ایلام شناسایی شد. از دوران آغاز ایلامی یک محوطه بزرگ و هشت محوطه کوچک و از دوره‌های ایلام قدیم اوان اثر قابل توجهی شناسایی نشده است. از دوره سیاسی یک ماندگاه و یک روستا و از دوره سوکل مخ نیز هفت محوطه شناسایی شده است. در دوره انتقال (transitional) و ایلام میانه الگوی استقرار تغییر می‌کند و جمعیت افزایش می‌یابد. دو محوطه بزرگ (شهر) و دو روستای بزرگ مجموعاً با حدود ۱۵ هکتار وسعت مهم‌ترین محوطه‌های این دوره هستند. یکی از این شهرها در خود شهر ایزه و دیگری در شمال غرب دشت واقع شده‌اند. دو روستا نیز در شمال شرق و جنوب شرق دشت شناسایی شده‌اند. با این حال، بیشتر جمعیت در دو شهر مذکور زندگی می‌کرده‌اند. کشف یک تکه سنگ مرمر کتیبه‌دار به خط میخی و از دوره ایلام میانه در تپه ایزه نشان‌دهنده امکان یافتن منابع نوشتاری دیگری در این منطقه است (Wright 1979:106). در جوار کتیبه‌ها و نقوش برجسته دوره ایلام در دره کول فرح در شمال شرق ایزه، اشگفت سلمان در جنوب غرب ایزه و نقوش برجسته شهسوار و خنگ نوروژی تاکنون شواهد استقرار مرتبلی یافته نشده است. الیزابت کارتر احتمال می‌دهد که استقرارهایی در زیر شهر امروزی ایزه مدفون شده باشد (Carter 2006:151). پیر در همین اواخر اعلام کرده است که دو نقش برجسته از مجموعه نقوش کول فرح به زمان بعد از حمله نبوکد نزار به ایلام در اواخر دوره ایلام میانه (پاتس ۱۳۸۵: ۲۹۳) و چهار نقش از نقوش اشگفت سلمان به قرن ۱۲ ق.م. تعلق دارند (Miroshedji 2003: 33-34). نقوش برجسته شاهسوار و خنگ نوروژی نیز به دوران ایلام قدیم یا میانه تعلق دارند (صراف ۲۰۰۶: ۲۹). تپه مهم دیگری از این دوره در جنوب دشت ایزه و در میان بافت مسکونی شهر قلعه تل قرار دارد. در این تپه تعدادی تکه سفال منقوش هزاره دوم ق.م. مشابه سفال‌های مکشوفه از رامهرمز به دست آمده است (Carter 1971:22). اشتین، نقش برجسته منفردی با نقوش نیم‌تنه چند فرد ایلامی را در این تپه کشف و به زمان شیلیهاک اینشوشیناک منتسب کرده (صراف ۱۳۷۲: ۶۴) که با توجه به بقایای سفالین هزاره دومی در تپه قلعه تل تا حدودی منطقی است.

۷. مناطق بین شهرهای ایزه و لردگان

محدوده کوهستانی بین ایزه و لردگان در محدوده استان چهارمحال و بختیاری و خوزستان در دره‌های موازی هم‌سو با جهت رشته‌کوه‌های زاگرس واقع شده است. طول این منطقه حدود ۸۰ کیلومتر و عرض آن در سواحل کارون و دره مجاور متناوب است. ساختار طبیعی و توپوگرافی خشن و صعب‌العبور منطقه با دره‌های

ژرف، ارتفاعات و دامنه‌های پرشیب و جریان رودخانه‌ها در خط‌القعر دره‌ها شرایط محیطی مطلوبی برای کشاورزی فراهم نکرده است، اما دامنه‌ها و تپه‌ماهورهای منطقه مراتع خوبی برای فصل بهار هستند. دیم‌کاری در دامنه‌های این منطقه به لحاظ دریافت بارش خوب و به‌موقع بازده خوبی دارد. راه‌های کاروان‌رو و ایل‌راه‌های باستانی بین خوزستان و اصفهان قرار دارد. این منطقه تا قبل از آبیگری سد منطقه‌ای حد‌وسط بین قرارگاه تابستانی و زمستانی گروه‌های کوچ‌نشین و دامدار بختیاری بود. کشت آبی در اراضی محدودی در حاشیه رود کارون میسر است، اما بخش اعظم تولیدات کشاورزی این منطقه توسط ساکنین روستاهای کم‌سابقه این منطقه از اراضی دیم دامنه ارتفاعات برداشت می‌شد.



تصویر ۱ و ۲: قطعات سفال ایلام میانه مکشوفه از ایذه (Bayani 1979: fig 38, 43)

احداث سدهای متعدد بر روی رودخانه کارون، زمینه‌ساز انجام مطالعات باستان‌شناسی عمدتاً نجات‌بخشی در این مناطق شد. آبیگر سد کارون ۴ در چهارمحال و بختیاری و در ۱۷۰ کیلومتری جنوب شهرکرد و آبیگر سد کارون ۲ در شهرستان ایذه و بخش اعظم آبیگر سد کارون ۳ نیز در این شهرستان و بخشی از آن نیز در محدوده شهرستان لردگان واقع است. بررسی محدوده دریاچه سد کارون ۴ کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های شاخص شناسایی شده در محدوده آبیگر سد در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ انجام شد (نوروزی ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸). بررسی‌های باستان‌شناسی سد کارون ۲ و دشت سوسن در شمال شهرستان ایذه در طی سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ انجام شد (میراسکندری ۱۳۹۱؛ راستی‌دوست ۱۳۸۷). مطالعات کاوش‌های محدوده سد کارون ۳ نیز در خلال سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ انجام شد (مهرکیان ۱۳۸۴). بر اساس بررسی به‌عمل‌آمده استقرارهای تپه‌ای قابل‌توجهی از دوره ایلام میانه در این منطقه وجود ندارد. اما این دره‌ها از نظر وجود محوطه‌های استقراری تک‌دوره‌ای و گورستان‌های تاریخی قابل‌توجه هستند. محوطه‌هایی از این دست به‌صورت فصلی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و کشف آنها به‌خاطر حجم کم نهشت‌های استقراری، یک‌دوره‌ای و فصلی بودن و همچنین مدفون شدن در زیر رسوبات حاصل از تغییرات پوسته زمین و فرسایش بالای خاک دشوار است (نوروزی ۱۳۸۵: ۱-۴۲).

محوطه‌های زیر کوه و قبرستان تاریخی بلوطک (مهرکیان ۱۳۸۴) در نزدیکی محل تلاقی رودخانه کارون و جاده ایزه - شهرکرد (گذرگاه باستانی بلوطک و پل شالو) مهم‌ترین محوطه‌های شناسایی‌شده این دوره در محدوده کارون ۳ هستند که در حین مطالعات باستان‌شناختی محدوده آبیگر سد کارون ۳ شناسایی و کاوش شدند. گورهای خریشته‌های سنگی با آثار شاخص دوره‌های ایلام میانه و جدید با شیوه تدفین معمولاً طاق‌باز در قبرستان بلوطک کاوش گردید. همچنین در محوطه استقرار فصلی زیرکوه با حدود یک هزار مترمربع وسعت و معماری ساده‌ای متشکل از دیوارهای سنگی خشکه‌چین بدون ملات و یافته‌های متعدد سفالین و فلزی از دوره ایلام میانه کشف گردید (مهرکیان ۱۳۸۴). انتساب یافته‌های این دو محوطه به مقاطع مشخصی از دوران ایلام میانه دشوار است. سفال مکشوفه از زیرکوه در این منطقه ساده و محلی است و از نوع ظروف کاربردی است و تاریخ‌گذاری این سفال‌ها به‌تنهایی دشوار است. بعضی از نمونه‌های لوله‌دار این ظروف در ایلام میانه و جدید متداول بوده است (تصویر ۵). نمونه‌هایی از این ظروف ساده در کاوش‌های زاغه در محل تلاقی رود ارمند و بازفت به‌دست آمده است (نوروزی ۱۳۸۸). سر پیکان‌های سنگی مکشوفه از محوطه بلوطک (تصویر شماره ۴) با نمونه‌های مکشوفه از قبور گورستان لما (رضوانی ۱۳۸۶ و جعفری ۱۳۹۳: ۲۵۳-۲۳۷) و همچنین تل ملیان (Carter 1996: fig 32) مشابه هستند. دستبند آهنی مکشوفه از این محوطه (تصویر ۳) با پایانه مار در طرفین به این دوره منتسب شده است (فرجی ۱۳۸۹: ۵۵). تدفین‌های این قبرستان از نظر گونه‌شناسی با نمونه‌های لما مشابه هستند (رضوانی ۱۳۸۶: ۴۴-۶۵).

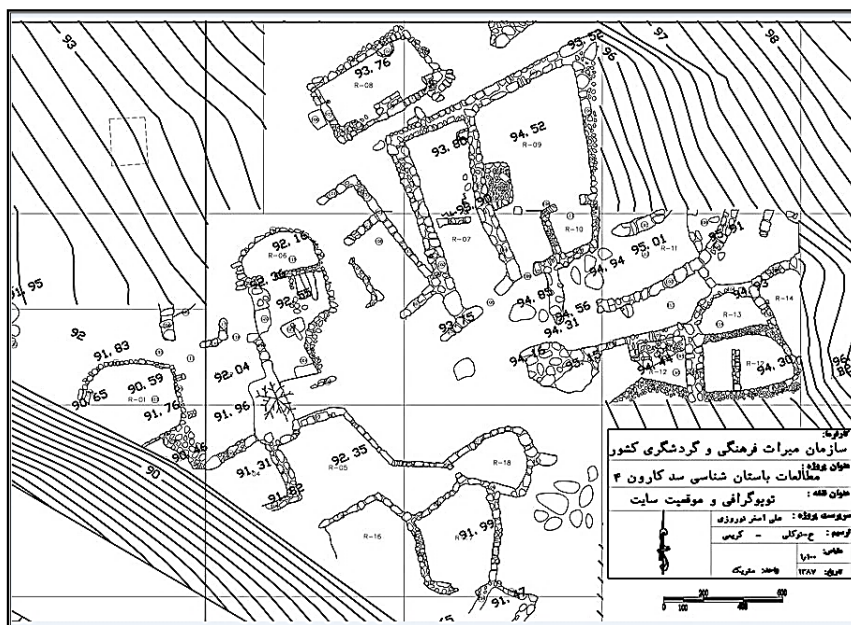


تصاویر ۳ تا ۵: یافته‌های زیرکوه و بلوطک (مهرکیان ۸۴-۱۳۸۶ و فرجی ۱۳۸۹: ۵۵)

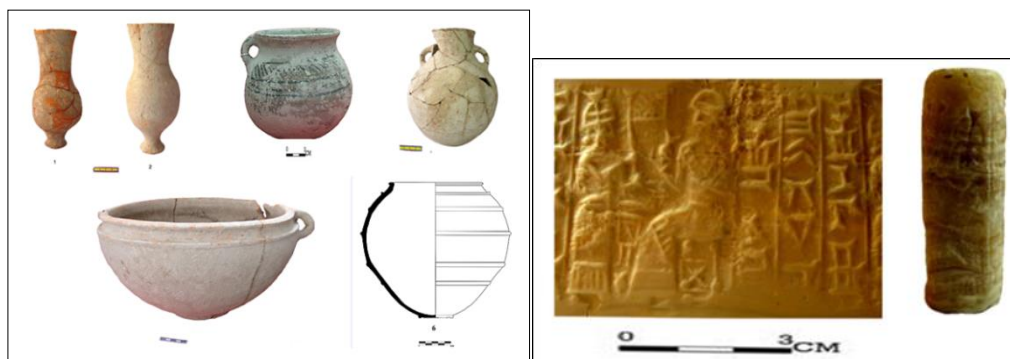
در بررسی محدوده آبیگر کارون ۴ دو محوطه ایلامی زاغه و کَرستان شناسایی شد (نوروزی ۱۳۸۵: ۱۰-۴۴). این دو محوطه در حدود ۱۷۰ کیلومتری جنوب غربی شهرکرد در محل تلاقی رودخانه‌های بازفت و ارمند از مهم‌ترین سرشاخه‌های کارون و در ارتفاع ۹۰۰ متری از سطح دریا شناسایی شدند. متأسفانه محوطه کَرستان در اثر فعالیت‌های عمرانی و جاده‌سازی از قبل تخریب شده بود و تنها قطعات پراکنده سفال ایلام میانه از استقرارگاه‌های آن باقی مانده بود. اما محوطه زاغه بقایای باستانی مهمی از یک روستای فصلی مهم ایلامی است که در طول جغرافیایی $52^{\circ}28'$ و عرض جغرافیایی $31^{\circ}37'67''$ در دامنه غربی کوه سفید و در جنوب شرقی محل تلاقی دو رودخانه ارمند و بازفت و در دامنه‌های شرقی کارون قرار گرفته است.

محوطه زاغه، قریب به ۱ هکتار وسعت دارد. کاوش‌ها در ۱۲ کارگاه 10×10 متر به کشف آثار و بقایای معماری با دیوارهای سنگی مرتفع به‌صورت واحدهای مسکونی، فضاهای عمومی، گذرها، یافته‌های سفالی، استخوانی و ابزارهای سنگی منجر شد (نوروزی ۱۳۸۸: ۶-۷۹). بافت مسکونی فصلی متشکل از دیوارهای سنگی است که با استفاده از ملاط گل یا بعضاً به‌صورت خشکه‌چین به‌صورت فضاهای ساختمانی اغلب غیر راست‌گوشه و بعضاً

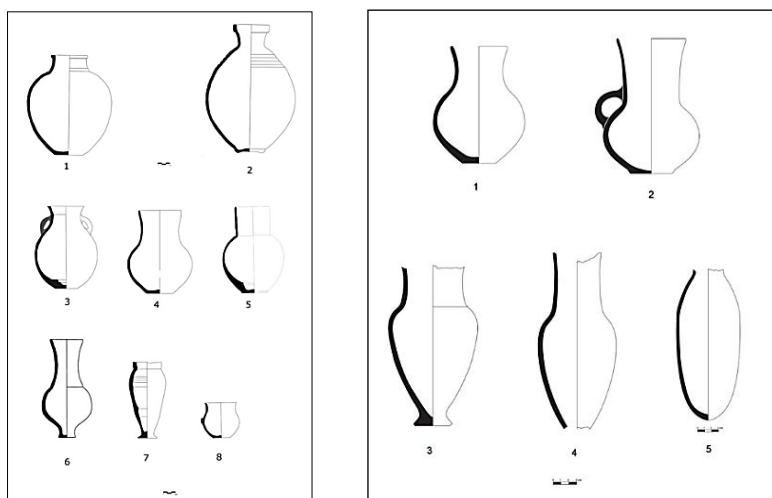
غیرهندسی ساخته شده‌اند (نقشه ۲). محوطه درواقع دهکده‌ای است از دوران تاریخی با ویژگی‌های معماری خاصی که تا اندازه زیاد نتیجه بازخورد با عوامل محیطی، طبیعی، اجتماعی و فرهنگی منطقه جغرافیایی خود است. مصالح ساختمانی مورد استفاده در سازه‌های مکشوفه سنگ، خاک و چوب است. یافته‌های سفالین از مهم‌ترین معیارهای تاریخ‌گذاری محوطه هستند. مقایسه سفال‌های این محل (تصاویر ۷ و ۸ و ۹) با نمونه‌های شاخص دوره ایلام میانه سرزمین پست خوزستان، به‌خصوص ساگرهای ته‌دکمه‌ای مکشوفه از محوطه‌های ایلامی چغازنبیل (گیرشمن ۱۳۷۳: ۳۳۱)، هفت‌تپه (نگهبان ۱۳۷۲: ۱۴۹) و شوش (Carter 1973: 90-103; Gasche 1979: 128-111)، خمره‌ها و تگارها با لبه‌های پله‌ای و گره‌دار، تگارهای بزرگ، کوزه‌های بیضی‌شکل و فرم‌های متعدد مکشوفه و به‌خصوص مهر سنگی شاخص ایلام میانه مکشوفه در کارگاه MIX (تصویر ۶) کاملاً مشابه با نمونه‌های چغازنبیل است (پرادا ۱۳۸۳: ۵۲)، بنابراین بی‌تردید این اثر به دوره ایلام میانه و حدود قرن ۱۳ قبل از میلاد، تعلق دارد. مقایسه فرم‌های شاخص سفالین این محوطه با آثار شاخص این دوره (Gasche 1973: 50-150) نشان‌دهنده تداوم استفاده از این محل تا حدود ایلام جدید است.



نقشه ۲: محوطه ایلامی زاغه (نوروزی ۱۳۸۸)



تصاویر ۶ و ۷: مهر و ظروف سفالین مکشوفه از محوطه زاغه (نوروزی ۱۳۸۸)



تصاویر ۸ و ۹: طرح ظروف سفالین مکشوفه از محوطه زاغه (نوروزی ۱۳۸۸)

۸. منطقه لردگان

منطقه لردگان در جنوب استان چهارمحال و بختیاری، از جنوب و جنوب غرب به رود خرسان و رشته‌کوه دنا، از شمال به سبزکوه و از شمال غرب و غرب به رودخانه ارمند و رود کارون محدود است. نیمه شرقی این منطقه متشکل از دشت‌های میان‌کوهی خانمیرزا، فلارد و دشت جمال در ارتفاع ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ متری از سطح دریا است. دشت لردگان در مرکز محدوده قرار دارد. دشت‌های مذکور امروزه مهم‌ترین مراکز کشاورزی آبی منطقه هستند. نواحی غربی و جنوب غربی لردگان ناهموار و فاقد دشت‌های حاصلخیز و گسترده می‌باشند. بیشتر مناطق ناهموار مخصوصاً در جنوب و غرب لردگان پوشیده از جنگل‌های بلوط است. رود خرسان از سرشاخه‌های اصلی کارون در این بخش جریان دارد. به علت ژرفای دره خرسان و سخت‌گذر بودن ارتفاعات دو طرف رودخانه دسترسی از این منطقه به مناطق جنوب غربی و کرانه غربی رود خرسان در استان کهگیلویه و بویراحمد دشوار است. این مناطق ابتدا توسط باستان‌شناسانی چون لایارد بازدید شد (لایارد ۱۳۶۵). سپس هانس نیسن و آلن زاگارل بعضی از مناطق لردگان را بررسی کردند. زاگارل، گمانه‌های محدودی در سه محوطه باستانی پیش‌ازتاریخ حفر کرد (Nissen & Zagarell 1975; Zagarell 1982). نوروزی در سال ۱۳۷۵ تپه قلعه افغان را مورد گمانه‌زنی قرار داد (نوروزی ۱۳۸۲: ۷۵-۸۲). در ده تپه و محوطه این منطقه آثار ایلام میانه شناسایی شد. تپه‌های قلعه افغان سینی، قلعه گلی لردگان و بارز از مهم‌ترین این محوطه‌ها هستند. سایر محوطه‌ها کوچک و کم‌ارتفاع و ماندگاه فصلی هستند. به جز قلعه افغان یافته‌های محوطه‌های دیگر محدود به قطعات سفال این دوره است. تپه باستانی قلعه گلی در روستای قلعه افغان (تصویر ۱۰) مهم‌ترین مرکز ایلامی شناسایی شده در این بخش از زاگرس است. تپه قلعه گلی و محوطه‌های باستانی اقماری تپه اصلی در حدود ۱۵ هکتار وسعت دارند. بقایای دوران تاریخی این تپه حدود ۱۰ هکتار وسعت دارد. از این رو، این استقرار مهم‌ترین محوطه باستانی کل محدوده مورد مطالعه است (نقشه ۳). بقایای دیوار عریضی در ضلع شرقی تپه اصلی مشهود است. مهم‌ترین یافته باستان‌شناختی این محوطه، آجرنوشته‌ای به خط ایلامی (تصویر ۱۱) و متعلق به هوتو لوتوش اینشوشیناک (۱۱۲۰-۱۱۰۰ ق.م.) حاکم شوتروکی ایلام میانه است (نوروزی ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۶).



تصویر ۱۰: تپه قلعه افغان ۱۳۹۴ (نگارندگان)

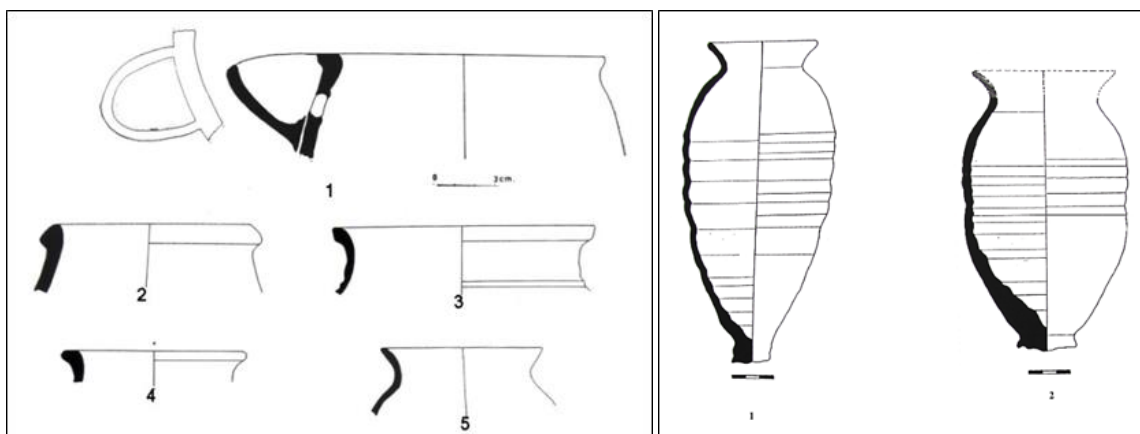
علاوه بر آجرنوشته، سفال شاخص ایلام میانه و سفال منقوش نوع فارس نیز از یافته‌های مهم مطالعات باستان‌شناسی در این محوطه است. در گمانه‌های حفر شده پیرامون تپه اصلی نیز به‌وفور قطعات سفال این دوره به‌دست آمده است (نوروزی ۱۳۷۵). قطعات قابل توجهی آجر در سطح تپه قابل مشاهده است که از ویژگی‌های محوطه‌های مهم این دوره است.

۹. دشت بلداجی - گندمان و چغاخور

این دشت با حدود ۷۰۰ کیلومترمربع وسعت یکی از مهم‌ترین، پرآب‌ترین و حاصلخیزترین دشت‌های منطقه مورد مطالعه است و در منتهی‌الیه شرق حوضه آبریز رود کارون و در زیر حوضه ونک در استان چهارمحال و بختیاری واقع شده است. این دشت میان‌کوهی از شمال و جنوب به‌وسیله کوه‌های بلندی دربرگرفته شده است. در میانه این دشت مرغزار وسیعی قرار دارد و اراضی کشاورزی حاشیه آن به‌خوبی به‌وسیله شاخه‌های رودخانه آق‌بلاغ آبیاری می‌شوند.

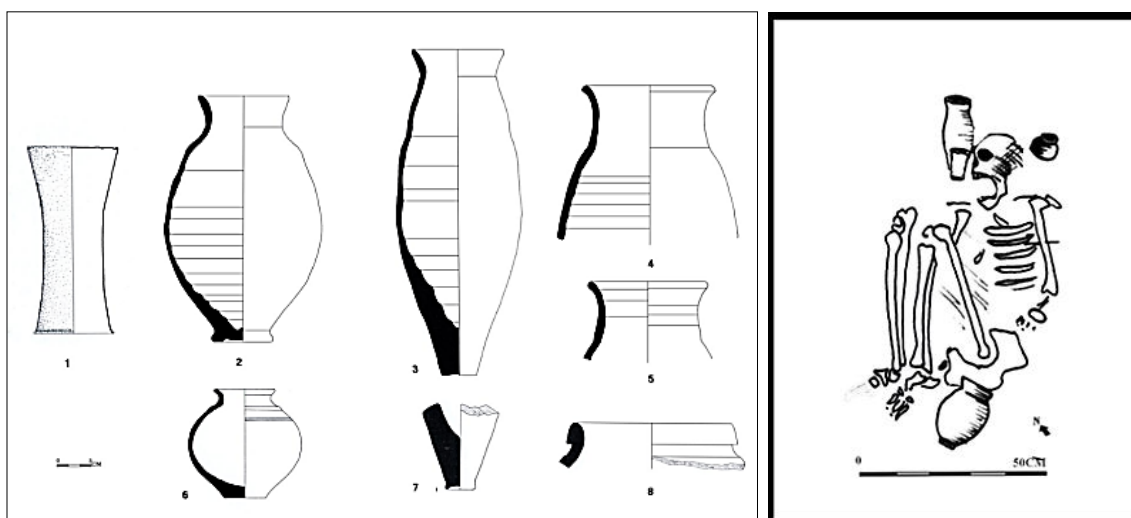


تصویر ۱۱: آجرنوشته ایلامی قلعه افغان (نوروزی ۱۳۸۲) نقشه ۳-روستا و تپه قلعه افغان (نوروزی ۱۳۷۵)



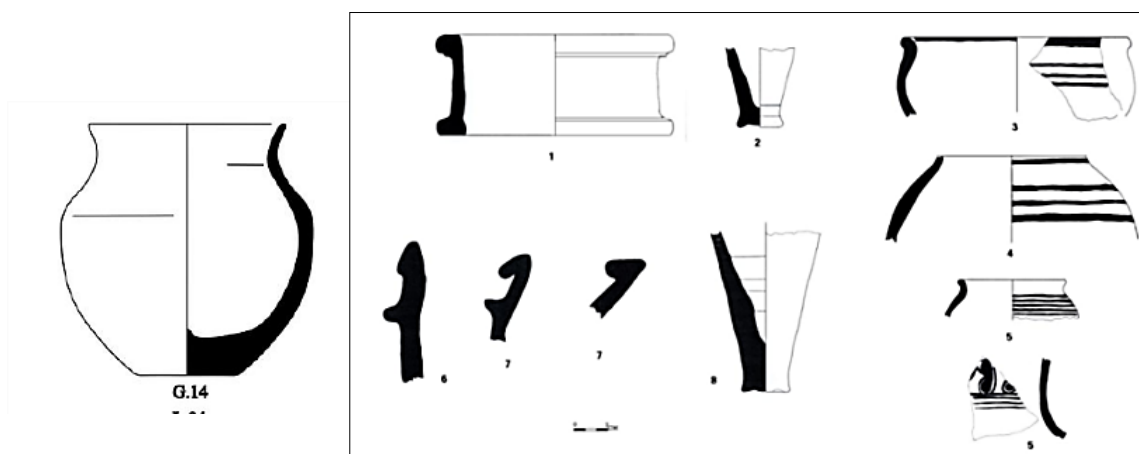
تصاویر ۱۲ و ۱۳: سفال‌های نمونه دوره ایلام میانه قلعه افغان (نوروزی ۱۳۷۵)

دشت چغاخور در غرب دشت بلداجی قرار دارد و سرچشمه یکی از زیرشاخه‌های کارون است. این دشت در حدود ۶ کیلومتر طول و ۵ کیلومتر عرض دارد. در اثر احداث سد ۷۰ درصد اراضی و مرغزار آن که کانون مهم بیلاقی عشایر بختیاری بود به زیر آب رفته است. متوسط ارتفاع این دشت‌ها از سطح دریا ۲۲۰۰ مترمربع می‌باشد. این دو دشت را ابتدا زاگارل، در یک برنامه کوتاه‌مدت بررسی کرد (Zagarell 1982) سپس در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ بررسی و شناسایی این آنها تکمیل شد و مجموعاً در ده محوطه این منطقه سفال‌های نیمه اول هزاره دوم ق.م جمع‌آوری گردید (نوروزی ۱۳۸۷). چندین برنامه گمانه‌زنی نیز در این مناطق در خلال دو دهه اخیر در محوطه‌های تاریخی و پیش‌ازتاریخ بلداجی انجام شد (نوروزی ۱۳۸۲: ۱۶۱-۱۵۷ و نوروزی ۱۳۹۲: ۱۴۵). کاوش در تپه شماره ۱ و ۲ بلداجی در بردارنده شواهد مهمی از ایلام میانه بود (نوروزی ۱۳۷۵). چند تکه سفال منتسب به این دوره نیز از تپه چغاخور و تپه‌های بلداجی توسط زاگارل مورد اشاره قرار گرفته است (Nissen & zagarell, 1975: 167) تپه شماره ۱ بلداجی با ۵۰۰۰ متر مربع وسعت تپه‌ای پیش‌ازتاریخی است که به وسیله قبور تاریخی اشغال شده است. در یکی از گمانه‌های این تپه تدفین ساده‌ای از دوره ایلام کاوش شد (تصویر ۱۴). اشیای مکشوفه از این قبر به خوبی قابل مقایسه با مجموعه‌های ایلام میانه مکشوفه از محوطه‌های مهم این دوره یعنی شوش، چغازنبیل و هفت‌تپه هستند (جدول شماره ۱). تپه شماره ۲ در فاصله ۲۰۰ متری جنوب شرقی تپه ۱ با ۱/۱ هکتار وسعت و ارتفاع ۴ متر، یک استقرار کاملاً تاریخی است. در این تپه بقایای معماری دوره ایلام به همراه سفال این دوره کشف شد. در تپه کوچک مجاور (شماره ۳) نیز شواهد استقرار این دوره در یکی از گمانه‌های تعیین حریم مشاهده شد (نوروزی ۱۳۷۵).



تصویر ۱۵: سفال بلداجی (نوروزی ۱۳۷۵)

تصویر ۱۴: تدفین بلداجی (نوروزی ۱۳۷۵)



تصویر ۱۷: سفال تاج‌امیر (قزلباش ۱۳۹۳)

تصویر ۱۶: سفال کهنه ارگ (نوروزی ۱۳۸۶)

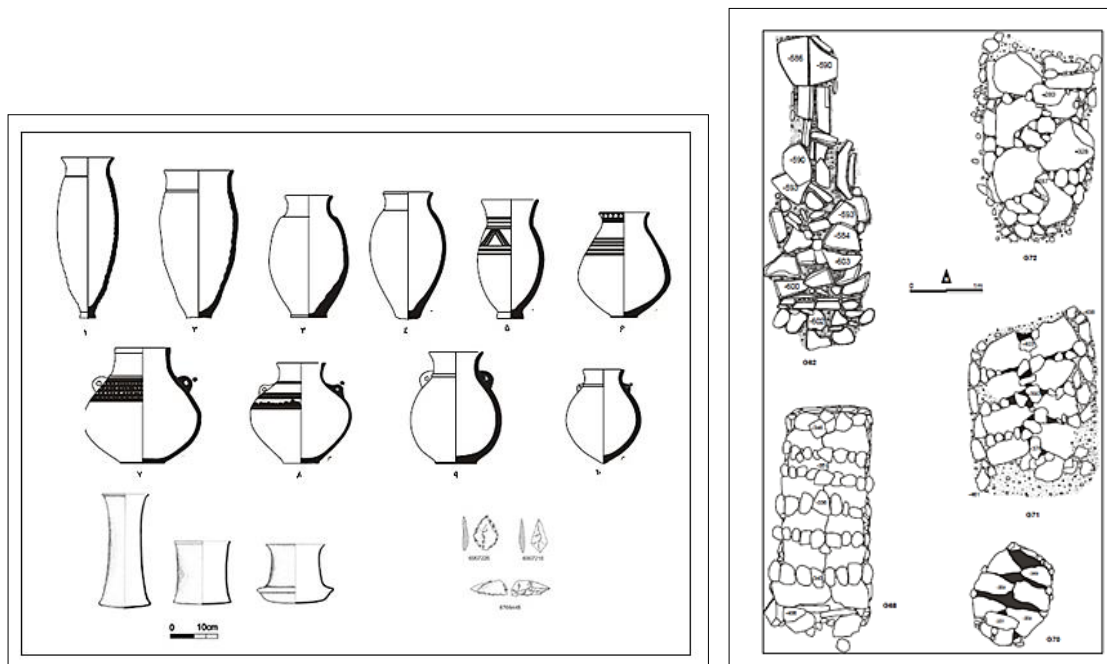
شواهد سفالی این سه تپه بیشتر از الگوهای خوزستان تبعیت می‌کنند (تصویر ۱۵). هرچند سفال منقوش ایلام میانه مشابه نمونه‌های فارس نیز به‌خوبی قابل رؤیت است (نوروزی ۱۳۷۵). بقایای باستانی تپه کهنه ارگ بر فراز یک تپه طبیعی مشرف به دشت گندمان و در حاشیه شرقی تالاب گندمان قرار گرفته است. این تپه و محوطه‌های مجاور با قریب به ۱۲ هکتار وسعت استقرار مهمی از دوران ایلام است. سفال ایلام میانه این تپه علاوه بر ویژگی خوزستانی به‌خوبی مشابه سفال منقوش ایلامی مکشوفه از دره کر و تل ملیان در استان فارس است (Sumner 1974: 155). به نظر می‌رسد بیشتر بقایای این تپه به پیش از ایلام میانه تعلق دارند، اما نشانه‌های ایلام میانه در میان یافته‌ها بارز است (تصویر ۱۶). در سایر محوطه‌های کوچک موقت نیز قطعات سفال ساده این دوره به‌دست آمده است. این محوطه‌ها به احتمال قوی ماندگاه‌های فصلی اقماری محوطه‌های اصلی هستند که البته کشفشان دشوار است (نوروزی ۱۳۸۶: طرح ۱۷ و ۱۸). در منطقه چغاخور و در تپه مرکزی آن موسوم به قلعه، چند تکه سفال ایلامی در میان یافته‌ها مطالعه شده است. یکی از یافته‌های مهم که ادعا

شده در منطقه سولقان در شمال غرب چغاخور به‌دست آمده، کتیبه‌ای سنگی در ۲۶ سطر از شله‌تاک اینشوشیناک (۱۱۲۰-۱۱۵۰ ق.م) پادشاه قدرتمند ایلامی است. در این کتیبه وی، نخست خود و خانواده‌اش را نام برده و سپس به بخشش زمین به کسی که مراسمی برای پادشاه انجام داده است، اشاره می‌کند (ارفعی ۱۳۸۹: ۱-۱۰).

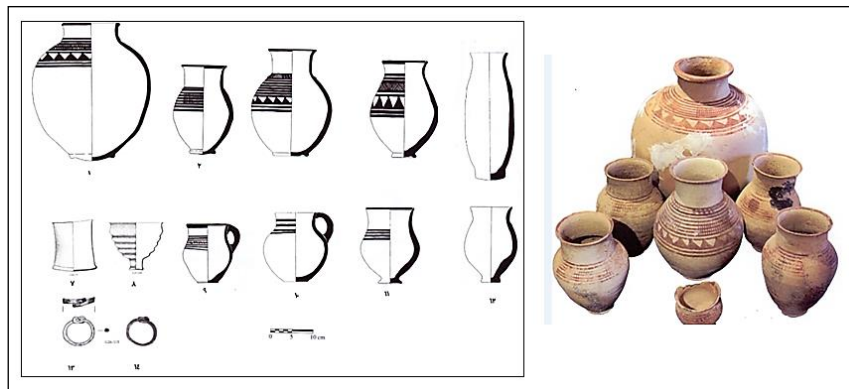
۱۰. منطقه یاسوج و حوضه بشار

رودخانه بشار یکی از سرشاخه‌های رودخانه کارون است و در شهرستان‌های یاسوج و دنا از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد و اردکان در شمال غربی استان فارس جریان دارد. این رودخانه از میان دره‌های عمیق در جهت شمال غربی جریان می‌یابد و بعد از دریافت شعبات دیگر با مشروب نمودن روستاهای برتنگ، ده شیخ، بادنگون، باک و لما و عبور از دامنه‌های شرقی کوه کهگیلویه در روستای دورهون وارد رودخانه خرسان می‌شود و در نهایت به کارون می‌ریزد. طول رودخانه بشار ۱۵۰ کیلومتر است و حوزه آبخیز آن منطقه‌ای به وسعت ۳۶۰۰ کیلومتر مربع را این منطقه شامل می‌شود (روشان و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۱). دره بشار بیشتر ناهموار و جنگلی است و هموارترین قسمت این حوضه دشت یاسوج است. مطالعات باستان‌شناسی در این منطقه جوان و بیشتر در دهه اخیر، در قالب برنامه‌های بررسی و شناسایی کاوش‌های نجات‌بخشی بوده است. مهم‌ترین استقرار تپه‌ای شناسایی‌شده در حوضه رود بشار تل خسرو در یاسوج است، به نظر نمی‌رسد استقرار قابل‌توجهی از دوره ایلام میانه در این تپه وجود داشته باشد. قریب یکصد گور متعلق به دوران تاریخی در کرانه‌های بشار در دهه اخیر کاوش شده است. این گورستان‌ها عبارتند از: گورستان لما (رضوانی و دیگران ۱۳۸۶؛ جعفری ۱۳۹۳: ۲۳۷) و گورستان تاج امیر (قزلباش و دیگران، ۱۳۹۳).

گورستان لما در ۶۰ کیلومتری شمال غرب یاسوج، در جنوب روستای لما در ۱۰ کیلومتری شمال غرب پاتاوه واقع شده است. این قبرستان در سال ۱۳۷۸ در مسیر جاده جدید یاسوج به لردگان به‌طور تصادفی کشف شد (رضوانی و دیگران ۱۳۸۶: ۱۵). لما در طول سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷، برای سه فصل کاوش شد (جعفری ۱۳۹۳: ۲۳۷) کاوشگران برای این قبور تاریخ نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد، ایلام میانه و جدید را پیشنهاد کرده‌اند. سفال منقوش مکشوفه در این گورها دارای ویژگی‌های سفال ایلامی نواحی مرتفع است. این سفال در محوطه‌های فارس و در کنار گونه‌های خوزستانی به‌وفور کشف شده است (Potts 2013:137). این سفال به نظر می‌رسد تداوم سفال منقوش پیش‌ازتاریخ و طول دوره مفرغ منطقه است که در دوران بانس، کفتری، قلعه و سرانجام شفا تیموران تداوم یافته است. پاتس این سفال را در ارتباط نزدیک با گونه‌های ایلامی منقوش از ممسنی می‌داند (Potts 2013:131-132). گورستان تاج امیر در منطقه شرق شهر یاسوج و در کنار رودخانه بشار در محوطه دانشگاه علوم پزشکی یاسوج واقع شده است و در سال ۱۳۸۸ به‌صورت اتفاقی در حین خاک‌برداری توسط دانشگاه علوم پزشکی یاسوج کشف و در سال ۱۳۹۱ کاوش شد. در مجموع ۱۶ گور خرسنگی ایلام میانه در این گورستان کاوش شد (قزلباش ۱۳۹۳: ۷). فرسایش در این گورستان شدید بوده و اشیای سالم کمی در کاوش به‌دست آمده است. این گورستان نیز دارای فرهنگ سفال ایلامی فارس است و به نظر می‌رسد از بیشتر گورهای گورستان لما قدیمی‌تر باشد.



تصویر ۱۸: نمونه تدفین لما یاسوج (جعفری ۱۳۹۳) تصویر ۱۹: سفال گورستان لما یاسوج (جعفری ۱۳۹۱: ۴۹-۲۴۸)



تصویر ۲۰: سفال مکشوفه از فصل ۲۱ گورستان لما (رضوانی و همکاران ۱۳۸۶)

۱۱. سایر مناطق

در بررسی‌های باستان‌شناختی سایر مناطق چهارمحال و بختیاری نیز قطعات سفال ایلامی در چند محوطه کم‌ارتفاع جمع‌آوری شده است. به نظر می‌رسد این محوطه‌ها بیشتر ماندگاه‌های فصلی باشند، از چهار محوطه کوچک در مرکز و جنوب دشت فارس در بخش شمالی حوضه کارون علیا نیز نمونه‌های قطعی سفال ایلام میانه به‌دست آمد (خسروزاده ۱۳۹۱: ۱۸۶). چهار محوطه دیگر نیز در منطقه بیرگان در شمال منطقه مورد بررسی شناسایی شده است (روستایی ۱۳۸۶؛ اسمعیلی جلودار، ۱۳۹۱: ۱-۲۸). منطقه بیرگان دره باز کوهستانی و مرتفعی است که از جانب غرب و جنوب غرب به‌وسیله ارتفاعات زردکوه، کوه چری و کوه قیصری و از جانب شمال و شمال شرق به‌وسیله کوه سالداران دربر گرفته شده است. سطح این دره ۲۲۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. رودخانه کوه‌رنگ سرشاخه اصلی کارون در میان این دره به عرض حدود ۳ کیلومتر و طول ۱۵ کیلومتر جاری است. این منطقه یکی از پر بارش‌ترین نواحی کارون علیا است و از این رو مراتع غنی آن چراگاه


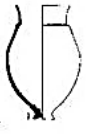







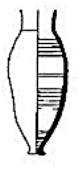
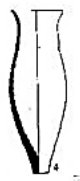





تابستانی گروه کثیری از عشایر بختیاری است. محوطه‌های مهمی از دوره ایلام و ایلام میانه در این ناحیه کشف نشده است (روستایی ۱۳۸۶). محوطه کارخانه واقع در شمال دهانه تونل سوم کوه‌رنگ در منطقه بیرگان در قالب مطالعات باستان‌شناختی نجات‌بخشی سد و تونل سوم کوه‌رنگ کاوش شد. در این کاوش که در ۶ کارگاه ۱۰×۱۰ متر انجام شد، بقایایی از یک معماری سنگی تک‌دوره‌ای به‌دست آمد که بر اساس آزمایش کربن ۱۴ قدمت آن میانه هزاره دوم قبل از میلاد تعیین شده است (اسماعیلی‌جلودار ۱۳۹۱: ۲۸-۱). سفال این محوطه فاقد ویژگی‌های شاخص سفال ایلامی نواحی پست و بیشتر محلی است (اسماعیلی، گفتگوی خصوصی). در بررسی محدوده شهرستان شهرکرد در شمال شرقی حوضه کارون علیا آثار شاخص این دوره شناسایی نشده است (نوروزی ۱۳۸۳) وضعیت در سایر مناطق واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد نیز مشابه است.

۱۲. نتیجه

جمعیت حوضه رود کر در نیمه اول هزاره اول قبل از میلاد به نهایت رشد خود رسید و از نیمه دوم این هزاره روند کاهش جمعیت یکجانشین آغاز شد. جمعیت خوزستان در تمام هزاره دوم در اوج خود بود و تنها از اواخر این هزاره روند آهسته کاهش استقرارها آغاز شد. دوران طلایی ایلام در این مقطع از دوره هفت‌تپه آغاز شد (ایلام میانه ۱)، در دوره ایکی‌هالکی‌ها درخسید و در دوره شوتروکی‌ها به اوج رسید (ایلام میانه ۲). در دوران ایلام میانه، حکومت ملی و متمرکزی در ایلام شکل گرفت و توانست ساختار منسجمی از آن ارائه کند. خط ایلامی در سراسر قلمرو به‌کار گرفته شد و بناهای یادمانی متعددی در سراسر قلمرو ساخته شد (علیزاده ۱۳۸۷). این همگونی در مواد فرهنگی قلمرو ایلام به‌خوبی مشهود است و می‌تواند به‌عنوان یک کلید باعث رهیافت به ماهیت استقرارهای ناشناخته ایلامی با مواد بومی گردد. افزایش یا کاهش جمعیت در نواحی ایلامی تنها با شمار و اندازه مراکز سکونت‌سنجیده می‌شوند. در مناطقی که از دوره پیش‌تاریخ قلمرو فصلی کوچ‌نشینان بوده و فاقد استقرارهای دائمی است این معادله بی‌پاسخ می‌ماند. بسیاری از محققین کاهش استقرار در این مناطق را با رونق و افزایش جمعیت کوچ‌نشین تعبیر می‌کنند. شواهد استقراری در مناطق مرتفع و دورافتاده حوضه کارون علیا در ایلام میانه و مصادف با دوره شکوفایی استقرارها قابل توجه است (جدول ۱ تا ۳). اهمیت این حجم از استقرارها در این است که بسیاری از مناطق این حوضه به‌صورت تخصصی و با رویکرد شناسایی آثار این دوره مطالعه نشده‌اند، کاوش‌ها محدودند و بیشتر بقایای ماندگاه‌های عشایری قابل شناسایی نیستند. افزایش قابل توجه استقرارهای بزرگ در این مقطع را می‌توان با تلاش حکومت مرکزی ایلام برای غلبه سیاسی و تحت کنترل گرفتن اداره امور سیاسی این مناطق با تأسیس نمایندگی‌های سیاسی منطقه‌ای و عقب‌نشینی کوچ‌نشینی مترادف دانست. پس معادله ابعاد استقرارها مترادف با شکوفایی درونی درخصوص حوضه کارون علیا همیشه درست نیست.

یافته‌شدن استقرارهای بزرگ و مراکز مهم دولتی چون قلعه افغان در این نواحی را می‌توان به دو شکل تفسیر کرد؛ نخست، تفوق قدرت مرکزی دشت شوشان بر مناطق مرتفع ایلام در مقطعی که حکومت ایلام متمرکز و بسیار شکل امپراطوری گرفت انجام شده است؛ دوم، کشف چنین محوطه‌هایی بازتاب توسعه الگوی دو رتبه‌ای استقرار سنتی در این نواحی و برآیند رونق کوچ‌نشینی و افزایش ثروت عمومی ناشی از مشارکت در کنترل مسیرهای تجاری و تأمین بخش قابل توجهی از مایحتاج جوامع روبه‌رشد شهرنشینی در شوشان و

بین‌النهرین بوده است. لذا توسعه مراکز استقرار متعلق به سران (خوانین) اقوام کوچ‌نشین در دره‌های زاگرس و همچنین رشد مراکز اقماری کوچک و ماندگاه‌های بزرگ کوچ‌نشینی و فاقد استقرار دائم می‌تواند بازتاب این وقایع باشد. ناشناختگی مواد فرهنگی محلی معضل بزرگی در مطالعات باستان‌شناسی در خارج از شوش و انشان است. رفع این ابهامات نیازمند مطالعات باستان‌شناسی طولانی و هدفمند است. از این‌رو، فارغ از اینکه این تحقیق توانسته باشد چشم‌انداز گاه‌نگاری دقیق و تصویر مستندی از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این نواحی ارائه دهد یا خیر، معرفی یافته‌های ایلامی محض مکشوفه در این منطقه به ما کمک می‌کند تا گستره ایلام را در قلمرو کوهستانی کارون علیا به‌طور مطمئنی ترسیم کنیم. به‌رحال همه شواهد حاکی از حضور طولانی‌مدت و قطعی این نواحی در قلمرو ایلام است؛ برخلاف تفاسیری که عقب‌نشینی هوته لوتوش اینشوشیناک به انشان را عامل اصلی گسترش قلمرو ایلامی در این ارتفاعات می‌دانند. ارتباطات در این مقطع با شوشان پررنگ‌تر از انشان است. فرهنگ دوره ایلام در منطقه حضور بارزی دارد (جدول ۲). این حضور کوتاه‌مدت، تصادفی و مقطعی نیست و کشف محوطه‌های بزرگ مرکزی و در حد شهرهای کوچک و محوطه‌های کوچک تک‌دوره‌ای اقماری کتیبه‌های شاهی و احتمالاً یادمان‌های مذهبی، از نقش این مناطق مرتفع در ساختار اتحادیه ایلام حکایت دارد؛ به‌طوری‌که پادشاهان ایلام با احداث مراکز و یادمان‌های سیاسی - مذهبی در این نواحی حضورشان را در صحنه تاریخ پر فراز و نشیب ایلام در دل کوهستان‌های زاگرس را به رخ کشیده‌اند.

میلیان	هفت تپه	شوش	زاغه	لما ۱۲	لما ۳	قلعه افغان	بلداجی
Carter 1996	تجهان ۱۳۷۲	Gasche, (1973)	نوروزی ۱۳۸۸	رضوانی ۱۳۸۶	جعفری ۱۳۹۳	نوروزی ۱۳۸۲	نوروزی ۱۳۷۵
							
							

جدول شماره ۱: مقایسه سفال مناطق مطالعه شده (نگارندگان)

نام منطقه	شوشان	حوضه رود کر	کارون علیا
وسعت استقرار ایلام میانه (حدود ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ ق.م)	۳۵۰ هکتار	۲۵۰ هکتار	۸۰ هکتار
مرجع	Miroschedji 2003:21	Miroschedji 2003:21	

جدول ۲: حجم استقرارهای ایلام میانه در حوضه کارون علیا در مقایسه با مناطق هم‌جوار در خوزستان و فارس (نگارندگان)

جدول ۳: استقرارهای مهم دوره ایلام میانه در حوضه کارون علیا (نگارندگان)

نام اثر	نوع	موقعیت	دوره مشهود	وسعت هکتار	نوع یافته ها					مرجع
					سفال	کتیبه	مهر	مفرغ	آهن	
قلعه افغان	تپه و محوطه	لردگان	ایلام میانه ۱، ۱۱	۱/۵	*	*	*			نوروزی ۱۳۸۲
سنی	تپه	لردگان	ایلام میانه ۱	۶	*					نوروزی ۱۳۸۷
قلعه گلی	تپه	لردگان	ایلام میانه اوچ و ۲؟	۵/۵	*					نوروزی ۱۳۸۸
زاغه	محوطه	لردگان	ایلام میانه اوچ و ۲	۱	*	*	*		معماری سنگی	نوروزی ۱۳۸۸
بلداجی ۱	تدفین	بلداجی	ایلام میانه ۱	۰/۷	*		*		مهره سنگی	نوروزی ۱۳۷۵
بلداجی ۲	تپه	بلداجی	ایلام میانه ۱	۱/۲	*				معماری خشتی	نوروزی ۱۳۷۵
کهنه ارگ	تپه و محوطه	گندمان	ایلام قدیم ۳ میانه ۱	۱۲	*				خشت آجر	نوروزی ۱۳۸۶
بیرگان	محوطه	کوهرتک	ایلام میانه	۱	*				معماری سنگی	اسماعیلی ۱۳۹۲
بارز	تپه و محوطه	لردگان	ایلام میانه	۱/۲	*				؟	مهرکیان ۱۳۸۲
زیرکوه	محوطه	دهدز	ایلام میانه / جدید	۱	*				معماری سنگی	مهرکیان ۱۳۸۲
بلوطک	گورستان	دهدز	ایلام میانه و جدید	؟	*	*	*		اشیاء سنگی	
چغابزرگ	تپه	ایذه	ایلام قدیم ۳ - میانه ۲؟	۱/۱	*					Wright/Bayani 1979
۵۹۸۲/۸۱۸۲	محوطه	ایذه	ایلام قدیم ۳ میانه ۲؟	۳/۵	*					Wright/Bayani 1979
چغامار	تپه	ایذه	ایلام قدیم ۳ میانه ۲	۴/۵	*					Wright/Bayani 1979
ایذه	تپه	ایذه	ایلام میانه	۶/۶	*				آجر	Wright/Bayani 1979
۵۸۹۰/۸۳۰۰	تپه	ایذه	ایلام میانه	۵	*					Wright/Bayani 1979
۸۹۸۲/۸۲۲۳	محوطه	ایذه	ایلام میانه	۳/۵	*					Wright/Bayani 1979
قلعه تل	تپه	جنوب ایذه	ایلام میانه	۱/۳	*	*				Carter 1971
چغاخور سولقان	؟	بلداجی	ایلام میانه	---	---	*				ارفعی ۱۳۸۹
لما فصل ۲	گورستان	یاسوج	ایلام میانه / جدید	قبر	*	*	*			رضوانی و دیگران ۱۳۸۶
لما ۳ چال شاهین	گورستان	یاسوج	ایلام میانه / جدید	قبر	*	*	*			جعفری ۱۳۹۱
تاج امیر	گورستان	یاسوج	ایلام قدیم ۳ میانه ۲	قبر	*	*	*			قزلباشی و دیگران ۱۳۹۱



نقشه ۴: محدوده حوضه کارون علیا و محوطه‌های ایلامی مورد اشاره در این مقاله (نگارندگان)

منابع

- ارفعی، عبدالمجید (۱۳۸۹)، «سنگ‌نبشته شیلهک اینشوشیناک از سولقان شهرکرد»، *زبان شناخت*، سال اول، شماره اول، ۱-۱۸.
- اسمعیلی جلودار، محمد اسماعیل (۱۳۹۱)، «گزارش مقدماتی کاوش نجات بخشی ترانشه (D10) محوطه کارخانه (020.KD) 1/ در محدوده سد و تونل سوم کوه‌رنگ در چهارمحال بختیاری (بخش اول)»، *گمانه: نشریه تخصصی باستان‌شناسی دانشگاه کاشان*، شماره ۲، ۱-۲۸.
- اهلرز، اکارت (۱۳۷۲)، *ایران: مبانی کشورشناسی جغرافیایی*، جلد اول، ترجمه محمدتقی رهنمایی، چ اول، تهران، سحاب.
- اهمان دیتز (۱۳۶۹)، *بختیاری‌ها: عشایر کوه‌نشین در پویه تاریخ*، ترجمه سید محسن محسنیان، مشهد، آستان قدس.
- بدیعی، ربیع (۴۷۱۲)، *جغرافیای مفصل ایران*، چاپ چهارم، تهران، اقبال.
- پاتس دانیل (۱۳۸۵)، *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه زهرا باستی، تهران، سمت.
- پرادا، ایدت (۱۳۹۳)، *هنر ایران باستان*، ترجمه یوسف مجیدزاده، (چ دوم)، تهران، دانشگاه تهران.
- جعفری، محمدجواد (۱۳۹۳)، «گزارش مقدماتی کاوش فصل سوم گورستان چال شاهین لمار (یاسوج)» *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان*، به کوشش محمدحسین عزیزی خرنقی و همکاران زیر نظر کمال‌الدین نیکنما، تهران، دانشگاه تهران.
- خسروزاده، علیرضا (۱۳۹۱)، «الگوی استقرار دشت فارس از پیش‌از تاریخ تا دوران اسلامی»، *نامورنامه: مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش*، به کوشش حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران، ایران نگار، ۱۶۹-۱۸۸.
- خوشحال، جواد؛ حسنعلی غیور؛ داریوش رحیمی (۱۳۸۴)، «کاربرد مدل ترکیبی گامبل در تجزیه و تحلیل فراوانی بارش‌های حداکثر حوضه کارون شمالی»، *جغرافیا و توسعه*، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ۷۳-۸۳.
- دومورینی ژ (۱۳۷۵)، *عشایر فارس*، ترجمه دکتر جلال‌الدین رفیع‌فر، چ اول، تهران، دانشگاه تهران.
- راستی‌دوست، مصطفی (۱۳۸۷)، *بررسی باستان‌شناسی سد کارون ۲*، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- رضوانی، حسن؛ کوروش روستایی؛ احمد آزادی؛ ابراهیم قزلباش (۱۳۸۶)، *گزارش نهایی کاوش‌های باستان‌شناختی گورستان لمار*، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- روستایی، کورش (۱۳۸۶)، «گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان کوه‌رنگ»، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، گزارش منتشر نشده.
- روشان، حسین؛ قربان وهاب‌زاده؛ کریم سلیمانی؛ رسول فرهادی (۱۳۹۲)، «شبیه‌سازی رفتار هیدرولیکی رودخانه با استفاده از مدل HEC-RAS در محیط GIS مطالعه موردی: رودخانه بشار، استان کهگیلویه و بویراحمد»، *پژوهشنامه مدیریت حوزه آبخیز*، سال چهارم، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ۷۰-۸۳.
- صراف، محمدرحیم (۱۳۷۲)، *نقوش برجسته ایلامی*، چ اول، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- فرجی، مهدی (۱۳۸۹)، «پژوهشی در مورد دستبندهای تدفینی با تزیینات حیوانی در فرهنگ هزاره اول ق.م منطقه فارس و خوزستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- قزلباش، ابراهیم؛ محمدجواد جعفری؛ نوروز رجیبی؛ کوروش محمدخانی (۱۳۹۱)، «گزارش فصل اول کاوش باستان‌شناسی گورستان تاج‌امیر یاسوج، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی»، منتشر نشده.
- گارثویت، جن راف (۱۳۷۲)، *تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری*، ترجمه مه‌رآب امیری، تهران، انزان.
- گایبه هانیس (۱۳۷۷)، *ارجان و کهگیلویه*، ترجمه سعید فرهودی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ دوم.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۳)، *چغازنبیل*، جلد ۱، ترجمه اصغر کریمی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- علیزاده، عباس (۱۳۹۱)، «روند پیچیدگی اجتماعی و سیاسی در جهان عیلامی»، *پیام باستان‌شناس*، سال نهم، شماره هفدهم، ۸۷-۱۰۲.
- _____ (۱۳۸۷)، *شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان*، شهرکرد، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری چهارمحال و بختیاری.

- _____ (۱۳۷۸)، «بازتاب نقش جغرافیایی، زیست‌محیطی و اقتصادی در تحولات جنوب باختری ایران از پیش از اسلام تا اسلام»، اثر، شماره ۲۱، ۴۷-۲۹
- لایارد، هنری اوستین (۱۳۶۷)، *سفرنامه لایارد*، ترجمه مه‌راب امیری، تهران، وحید.
- مهرکیان، جعفر (۱۳۷۵)، «پیشینه پژوهش در نگارندهای صخره‌ای و سنگی ایران، سد کارون ۳»، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- مهرکیان، جعفر (۱۳۸۴)، «گزارش بررسی‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی سد کارون ۳»، تهران، *باستان‌شناسی و تاریخ*، سال دهم، شماره دوم، ۵۴-۶۱.
- میر اسکندری، سید محمود (۱۳۹۱)، *بررسی و شناسایی آثار باستانی دشت سوسن (ایذه خوزستان)*، تهران، گنجینه هنر.
- نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۲)، *حفاری هفت‌تپه دشت خوزستان*، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- نوروزی، علی‌اصغر؛ محسن حیدری؛ خسرو احمدی (۱۳۹۲)، «محوطه ساکی‌آباد در حوزه تالاب چغاخور: شواهدی از استقرار کوچ‌نشینی در دوره مس‌وسنگ در شمال زاگرس جنوبی»، *مطالعات باستان‌شناسی دانشگاه تهران*، دوره ۵، شماره ۲، ۱۶۳-۱۴۵.
- نوروزی، علی‌اصغر (۱۳۷۵)، «گزارش گمانه‌زنی در تپه باستانی قلعه گلی روستای قلعه افغان لردگان»، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، چاپ نشده.
- _____ (۱۳۷۵)، «گمانه‌زنی در تپه‌های شرق بلداجی»، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، چاپ نشده.
- _____ (۱۳۸۲)، «محوطه نویافته ایلامی، فراتر از مرزهای شناخته‌شده ایلام»، *نامه پژوهشگاه*، میراث فرهنگی، شماره ۳، ۷۵-۸۲.
- _____ (۱۳۸۳)، «گزارش بررسی باستان‌شناختی شهرستان شهرکرد»، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- _____ (۱۳۸۶)، «گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان بروجن»، جلد اول، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، چاپ نشده.
- _____ (۱۳۸۸)، «مطالعات باستان‌شناسی در حوضه آبخیز کارون شمالی (چهارم‌حال و بختیاری)»، تهران، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۱، شماره ۲، ۱۶۱-۱۷۵.
- _____ (۱۳۸۸)، «گزارش کاوش باستان‌شناختی محوطه باستانی زاغه»، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی (چاپ نشده).
- نیکنمایی کمال‌الدین و مژگان جایز (۱۳۹۰)، «محوطه‌های عصر سنگ دشت ایذه: شناسایی و تحلیل مکانی»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، سال اول، شماره اول، ۸۰-۵۷.

Alizadeh, A., 2003. Some observations based on the nomadic character of Fars prehistoric cultural development, in *Yeki Bud, Yeki Nabud*, essays on the archaeology of Iran in honor of William M. Sumner, Naomi F. Miller and Kamyar Abdi (eds.), Monograph of the Cotsen Institute of Archaeology at UCLA 48, Los Angeles, pp. 83-97.

Borjian, Habib, 2012. Karun River, geography and hydrology, Encyclopedia of California, Los Angeles, Pp.83-97.

Bayani, Mohammad Ismael, 1979. The Elamite period on the Izeh Palain. in *Archaeological investigations in northeastern Xuzestan, 1976, Technical Reports, No. 10; Research Reports in Archaeology, Contribution 5. Ann Arbor: Museum.*

Carter, Elizabeth (1979). Elamite pottery, ca. 2000-1000 B.C. *Journal of Near Eastern Studies*, 38:111-128.

_____, 1996. *Excavations at Anshan (Tal-e Malyan): the middle Elamite period*, Malyan excavation reports, Philadelphia, University Museum Monographs, 82.

_____, 1971. Elam in the second millennium B.C.: the archaeological evidence. Ph.D. Thesis, University of Chicago.

_____, 1994. Bridging the gap between the Elamites and the Persians in southeastern Khuzistan, in: Sancisi-Weedenburg, H., Kuhrt, A. and Cool-Root, M., (eds.)

Achaemenid History VIII: - continuity and change, Nederlands Instituut Voor Het Nabije Oosten, Leiden: 55-95.

Carter, E. and Stolper, M. W., 1984. *Elam: surveys of political history and archaeology*, University of California Press, Berkeley.

Gasche, Hermann 1973. La poterie Elamite du deuxieme millenaire A.C., Memoires de la delegation archeologique en Iran 47. Leiden, Brill.

Herzfeld, E. E., 1926. Reisebericht, *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 80 (Neue Folge 5) pp. 225-284.

Messina, V., and Mehr Kian J., 2010. The Iranian-Italian joint expedition in Khuzistan, Hung-e Azhdar, 1st Campaign (2008), *Parthica* 12: 31-45.

Miroschdji, P., 2003. Susa and the highlands :major trends in the history of the Elamite civilization, in: Naomi F. Miller and Kamyar Abdi (eds.), *Yeki Bud, Yeki Nabud*, essays on the archaeology of Iran in honor of William M. Sumner, Cotsen Institute of Archaeology University, pp. 9-38 .

Nissen, H. J., and Zagarell, A. 1976. Expedition to the Zagros Mountains, in: Bagherzadeh, F. (ed.), *Proceedings of the IVth Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, 1975, Tehran: Iranian Centre for Archaeological research, pp.159-189.

Pézard, M., 1914. *Mission à Bender-Bouchir: documents archéologiques et epigraphiques*, Ministère de l'Instruction Publique et des Beaux-Arts, Paris.

Potts, D.T., 2013. In the shadow of Krangon: cultural developments in the highland between Khuzestan and Anshan, in: the *Susa and Elam philological, historical and geographical perspectives*, *Proceedings of The International Congress Held at Ghent University*, December 2009, pp.137-129.

Potts, D.T., Roustaei K., Petrie, C.A. & Weeks, L.R. (eds), 2009, *The Mamasani archaeological project: stage one, a report on the first two seasons of the ICAR – Districts, Fars Province, Iran* British Archaeological Reports, International Series 2044, Oxford, Archaeopress.

Stolper, Matthew W., 1984. Political history, Elam surveys of political history and archaeology, in: Elizabeth Carter and Matthew W. Stolper (eds.), University of California Press, PP. 3-100.

Sumner, W. M. 1974. *Excavations at Tal-e Malyan 1971-72*, *Iran* XII: 155-180.

Wright, Henry, (ed.), 1979. Archaeological investigations in northeastern Xuzestan, 1976, Technical Reports, No.10, Research Reports in Archaeology, Contribution5. Ann Arbor: Museum of Anthropology.

Reiner, E.1973. Tall-i Malyan, Epigraphic finds, 1971-72. *Iran* 12, 176

Zgarell Alen, 1982. The prehistory of the northeast Bahtiari Mountains, Iran: the rise of highland way of life, *Beihefte Zum Tubinger Atlas des Vordern Orients.Riehe B, No 42*, Weisbaden.